



بیماری سندرم دان اختلال و نقص کروموزومی است. این بیماران یک کروموزوم از نوع شماره ۲۱ بیشتر دارند؛ به عبارت دیگر به جای دو کروموزوم شماره ۲۱، سه کروموزوم دارند. در ۹۵٪ موارد، علت وجود کروموزوم اضافی عدم انفصال طبیعی کروموزوم‌های مادر است. این اختلال ناشی از سن زیاد مادر و اختلال عمل تخمدان‌های آنان می‌باشد.

این کودکان اغلب قبل از موعد به دنیا می‌آیند، وزنشان کمتر از وزن طبیعی است و نسبت به همسالان خود از نظر رشد عمومی و حرکتی عقب‌ماندگی دارند. این افراد به علت نارسایی در رشد هوش، به‌طور طبیعی توانایی و گنجایش یادگیری ندارند و در نتیجه نمی‌توانند از تجرب قبلی خود استفاده نمایند.

بررسی‌ها نشان داده است که با افزایش سن، عملکرد شناختی سریع‌تر و زودتر مختل می‌گردد. در این سندرم، اختلالات و مسائل رفتاری و شناختی متعددی نیز بروز می‌کند. به‌نظر می‌رسد در سال‌های اولیه‌ی زندگی، این کودکان تا اندازه‌ای از هوشیاری بهره‌مند بوده و بدون این‌که عقب‌ماندگی آن‌ها مورد توجه قرار گیرد تا حدی قادر به انجام بعضی مهارت‌های حرکتی عمده می‌باشند؛ اما بعدها در یاد گرفتن مهارت‌های پیشرفته‌تر مشکل پیدا می‌کنند و در پیشرفت‌های ذهنی نقصان بیش‌تری نشان می‌دهند. سال‌های اولیه برای کودک مبتلا به سندرم دان بهترین سال‌های زندگی می‌باشد؛ زیرا او در این سال‌ها حداکثر رشد ممکن را دارد. بچه‌هایی که ۳-۴ سال اولیه زندگیشان را در منزل گذرانده به مراتب بیش از بچه‌هایی که از بدو تولد در پرورش‌گاه نگهداری شده‌اند کارایی دارند.

شعور اجتماعی این کودکان اغلب ۲-۳ سال پیشرفته‌تر از سطح هوششان می‌باشد. در نتیجه این کودکان ممکن است باهوش‌تر از

۵۶
دوره‌ی پنجم/شماره‌ی ۱/ پاییز ۸۸

برادر را ببین تحلیل فیلم بچه‌های ابدی

رضا شهلا

بینندگان در حوزه مشکلات فردی و بین‌فردی پردازند و سعی کنند در این زمینه هم‌راهکارهای علمی به تماشاگر ارائه دهند. پوران درخشنده از جمله‌ی این کارگردانان است که دغدغه‌ی اصلی او در فیلم‌سازی بیان مشکلات کودکان استثنایی می‌باشد. «رابطه»، «پرنده کوچک خوشبختی» و «بچه‌های ابدی» نمونه‌هایی از فیلم‌های درخشنده است که سعی کرده در هر یک به بیان مشکلات، آسیب‌ها و ارائه راه‌کار در زمینه‌ی کودکان استثنایی پردازد. کودکانی که به نوعی در جامعه فراموش شده‌اند و شاید در نظر خیلی‌ها جز کوچک بیماران روانی، تلقی می‌شوند.

فیلم «بچه‌های ابدی» به زندگی و شرایط خانوادگی کودکانی که به بیماری سندرم دان مبتلا هستند می‌پردازد.

درآمد

آیا تماشای یک فیلم با موضوع مشخص و از پیش انتخاب شده می‌تواند بیننده را در چیره شدن بر مشکلات جاری زندگی روزمره یا کنار آمدن با اتفاقات ناگوار و غیرقابل پذیرش که با آن روبه‌رو می‌شود یاری کند؟

فیلم دنیای افراد را به شخصیت‌ها و طرح داستان فیلم پیوند می‌دهد، در واقع فیلم‌ها یک رشته الگوهای فکری، احساسی، انگیزشی و رفتاری را برای افراد و بیماران به نمایش می‌گذارند تا آن‌ها با این الگو هم‌ذات‌پنداری کرده یا از آن‌ها الهام بگیرند و به طرف شدن مشکلات امیدوار باشند.

با حجم تولید فیلم در سینمای ایران شاید نمونه‌های انگشت‌شماری را بتوان نام برد که سازندگان آن به‌طور آگاهانه و با اشراف به موضوع بخوانند به تغییر شیوه‌ی اندیشه، احساس و رفتار

آن که واقعاً هستند جلوه کنند و بتوانند با محیط خود و افرادی که سروکار دارند راحت‌تر از آن که توانایی ذهنیشان ایجاب می‌کند برخورد کنند. با این که کودک مبتلا به سندرم دان در سال‌های اول زندگی زیرک و هوشیار به نظر می‌رسد، اما در سنین نوجوانی و جوانی از نظر درک در حد یک بچه کوچک خواهد بود. لجبازی و عدم همکاری یا همکاری ضعیف، از مهم‌ترین اختلالات رفتاری در تمامی گروه‌های سنی است که در سنین پایین‌تر، بارزتر و با افزایش سن، بهبودی نسبی می‌یابند.

گاهی آن‌ها فوق‌العاده سرسخت بوده و مصمم به انجام کارها مطابق میل و روش خود هستند. این کودکان با این که کند پیشرفت می‌کنند ولی به شدت تحت تأثیر تشویق‌ها و مهربانی اطرافیان خود هستند.

افراد با سندرم دان مراحل رشد ذهنی و جسمی را نسبت به دیگر افراد با تأخیر سپری می‌کنند آن‌ها نسبت به همسالان خود در نشستن و حرف زدن دیرتر می‌آموزند. امروزه با کمک علم توان بخشی می‌توان در سرعت رشد حرکتی و ذهنی کودکان با سندرم دان تحول ایجاد کرد.

بچه‌های مبتلا به سندرم دان معمولاً از محیط زندگی، خانواده، اسباب‌بازی و هم‌بازی‌های خود لذت فراوان می‌برند؛ همانند هر فرد دیگری گاهی غمگین، خوشحال، عصبانی و کج خلق می‌شوند. اما هیچ کدام از این حالات به طور طولانی باقی نمی‌مانند. تظاهرات پرخاشگرانه در آن‌ها کم بوده و تمایلات جنسی آن‌ها نیز ضعیف است.

آن‌ها از برخورد با مردم لذت می‌برند؛ دوست دارند از مردم تقلید کنند؛ کارها را همانند دیگران انجام می‌دهند و به طور کلی شاد، صمیمی، خوش برخورد و فعال می‌باشند. ۷۵٪ کودکان مبتلا به سندرم دان دارای ضایعات شنوایی هستند. این کودکان به شدت از محرومیت حسی رنج می‌برند و برای رساندن آن‌ها به حداکثر ظرفیت شناختی

باید از برنامه‌های خاص پیش‌گیرنده و آموزشی استفاده نمود. امروز در ۳ زمینه پزشکی - آموزشی و اجتماعی تحول شگرفی در ارتباط با این کودکان صورت گرفته است. در زمینه‌ی پزشکی متخصصان تلاش می‌کنند که کودک از بدو تولد تحت نظر قرار گیرد و ناتوانی‌های جسمانی او را به حداقل برسانند. در زمینه آموزشی او را از بدو تولد برای آموزش در مدارس عادی آماده می‌کنند. در زمینه‌ی اجتماعی، نگرش مثبت افراد اجتماع به‌ویژه متخصصان و والدین و آگاهی از قابلیت‌ها و استعدادها این کودکان تحول بزرگی را در زندگی آنان فراهم می‌آورد.

تأکید بر اقدامات توان بخشی و مداخله‌ی به موقع در خانواده‌های دارای افراد مبتلا به سندرم دان موجب عملکرد مناسب و کاهش مسایل روان‌شناختی و رفتاری گردیده که در مجموع به بهبود کیفیت زندگی افراد مبتلا به سندرم دان در جامعه و پیشرفت و شکوفایی آنان منجر می‌شود. به اعتقاد بیش‌تر کارشناسان رمز داشتن وضعیت مطلوب برای خانواده، پذیرفتن این واقعیت است که کودکان به سندرم دان مبتلا است.

موضوع فیلم از این قرار است که نگار، می‌خواهد با پسری به نام ایمان ازدواج کند؛ اما می‌فهمد که ایمان تعهدی در زندگی دارد و به خاطر آن مجبور است از برادرش علی که سندرم دان دارد نگهداری کند این موضوع باعث بروز مشکلاتی برای آن‌ها می‌شود.

از مسایلی که خانواده‌های کودکان استثنایی با آن مواجه هستند، برداشت سطحی و کج‌فهمی عوام از شرایط این کودکان به دلیل عدم آگاه‌سازی جامعه است که حتی باعث نگرانی از بیان داشتن کودکی استثنایی می‌شود. در این فیلم کارگردان تلاش می‌کند این نوع نگاه را به کودکان استثنایی تغییر دهد.

در سکانس ابتدایی فیلم تلاش ایمان، برای پنهان کردن این موضوع از نامزدش را می‌بینیم.

ایمان و نگار هر دو تحصیل کرده و از نسل آگاه جامعه هستند که در ادامه با شرایط خانوادگی آن‌ها هم آشنا می‌شویم. ایمان نمی‌تواند موضوع را برای نگار بیان کند او از واقعیت‌های تلخ، برای توصیف موقعیتش استفاده می‌کند و در نهایت به نگار پیشنهاد می‌کند که بهتر است بیاید و برادرش را ببیند.

یکی از صحنه‌های فیلم که می‌توانست نقطه اوجی هم برای کارگردان و هم برای بیننده باشد، اولین دیدار نگار با علی است که به تصویر کشیده نشده است. برای بسیاری از کسانی که در چنین موقعیت‌هایی هستند این صحنه، و چگونگی برخورد نگار با علی می‌توانست دارای نکات آموزشی خوبی باشد، تا این که ما از پریشان حالی نگار پی به این دیدار می‌بریم؛ هرچند در ادامه کارگردان به این دیدار می‌پردازد؛ اما با این تفاوت که بار دوم، نگار با به دست آوردن اطلاعات به ملاقات علی می‌رود.

در ادامه نگار دچار تردید می‌شود و علی را رقیب خود در آینده می‌بیند. کارگردان باز هم به طرز فکری طبقه‌ی تحصیل کرده‌ی جامعه که نگار نماینده‌ی آن است در مورد این کودکان اشاره می‌کند؛ از طرف دیگر مخصوصاً در صحنه‌ی پاره کردن عکس می‌بینیم که علی نگار را تهدیدی برای از دست دادن برادرش و شرایط نسبتاً خوب زندگی‌اش می‌داند.

نگار برای افزایش اطلاعات خود و راضی کردن خانواده‌اش به مصاحبه با افراد متخصص و والدین این کودکان می‌پردازد. در این قسمت استفاده از پیام‌های مستقیم نسبت به دیگر صحنه‌های فیلم تأثیر کمتری روی مخاطب عام و خاص دارد. استفاده از پیام‌های مستقیم نه تنها فیلم را به طرف شعاری شدن می‌برد بلکه به کارکرد اصلی این فیلم‌ها لطمه می‌زند. در ادامه‌ی فیلم، نگار به تنهایی به دیدن علی در اتاقش می‌رود، نگار خود را به دنیای علی



فیلم‌ساز، شیوه زندگی و رابطه‌ی اطرافیان با این کودکان را با تأکید بر جنبه‌های احساسی و سطح عاطفی آنان به تصویر می‌کشد

نزدیک می‌کند و به خوبی با علی همراه می‌شود و در بازی علی با بیش‌ترین انرژی و با حوصله شرکت می‌کند، رابطه برقرار می‌شود و علی هم او را به راحتی می‌پذیرد. کارگردان با درایت روی نقطه خوبی دست می‌گذارد و نشان می‌دهد که برای برقراری رابطه با این کودکان، فرد چگونه باید خود را در فضای ذهنی آن‌ها قرار دهد و از طرف دیگر به درستی تمایل یک بزرگسال به ایجاد و تقویت رابطه‌ی اجتماعی با یک کودک با شرایط ویژه و واکنش مثبت او را به تصویر می‌کشد و در ادامه‌ی بازی علی و نگار، بیننده با واکنش عاطفی علی مواجه می‌شود و فیلم به خوبی نشان می‌دهد که این کودکان چگونه حالات و احساسات دیگران را درمی‌یابند و همین درک و دریافت موجب ایجاد همدلی بین آن‌ها و دیگران می‌شود. (شناخت اجتماعی).

از نکات قابل توجه فیلم نوع رابطه علی با برادرش است. با وجود تمام دغدغه‌های ایمان و حس مسئولیت‌پذیری در قبال علی، در چند صحنه‌ی فیلم از جمله عکس گرفتن در شهر بازی و روز دیدار خانواده نگار با علی، می‌توان فهمید که رابطه‌ی ایمان با علی از نوع تحکم‌آمیز والدین با کودکان است. در شهر بازی علی می‌خواهد کنار ایمان و نگار باشد و با آن‌ها عکس بگیرد، ایمان با فریاد علی را مورد خطاب قرار می‌دهد و دستور می‌دهد که سر جایش بایستد، از طرف دیگر نوع رابطه‌ی نگار با علی از نوع کودکانه و بی‌آلایش علی است. نگار برای درک دنیای علی با او همراه می‌شود و حتی ناسازگاری‌هایش در پاره کردن عکس، او را بی‌قید و شرط می‌پذیرد و در این راه به خواسته‌هایش هم در آموزش و هم در پیشرفت علی دست پیدا می‌کند.

فیلم، آموزش مهارت‌های اجتماعی به‌وسیله یادگیری از طریق بازی و تقلید از رفتار دیگران

را در نمای غذا خوردن نگار و علی در کنار هم به بیننده آموزش می‌دهد و در ادامه‌ی فیلم، تأثیر این نوع آموزش و کارایی آن را می‌بینیم.

خانواده‌ی نگار به بهانه‌ی عیادت از مادر علی، به دیدن علی می‌آیند؛ نگاه سرد و کنترل‌کننده افراد حاضر از همان ابتدا روی علی وجود دارد.

علی از رابطه‌اش با نگار صحبت می‌کند؛ اما از طرف خانواده نگار جوابی مبنی بر توجه دریافت نمی‌کند. او به نیتش در برقراری رابطه پافشاری می‌کند و بعد با واکنش ایمان مواجه می‌شود. در ادامه‌ی همان صحنه پدر نگار می‌خواهد سیگار روشن کند. صدای فندک در ذهن علی با اسباب‌بازی‌اش تداعی می‌شود و این تداعی بحث کنجکاوی علی در مورد فندک می‌شود. کارگردان نیت پنهان علی را نشان می‌دهد؛ نیتی که قصد آزار و اذیت یا گستاخی نیست. نیتی که ما هم به لطف فیلم آن را می‌بینیم؛ در غیر این‌صورت بدترین شکل از آن‌ها را برداشت می‌کنیم. به اعتقاد بیشتر متخصصان، رفتار این کودکان تنها به سبب پایین بودن میزان هوش به‌وجود نمی‌آید بلکه علاوه بر هوش، عوامل شخصیتی و انگیزه‌ای نیز در ایجاد آن نقش دارد. و حتی این رفتار معلول ادارک‌های نادرست از موقعیت‌های اجتماعی آن‌ها ناشی می‌شود.

در ادامه ایمان، علی را به آسایش‌گاه می‌سپارد. علی همراه متصدی آسایش‌گاه برای آشنایی با بچه‌ها می‌رود. ایمان در سپردن علی به آسایش‌گاه دچار تردید و نگرانی می‌شود؛ آیا در مورد برادرش کار درستی انجام داده؟ آیا آن‌جا به خوبی از او مراقبت می‌کنند؟ و...؟

انتخاب چنین تصمیم‌هایی در مورد کودکان استثنایی، بدون مشورت و نظرخواهی از متخصصان این رشته، نکته‌ای است که کارگردان با نشان دادن جمله‌ای که روی دیوار اتاق متصدی است و تردید ایمان، روی آن تأکید می‌کند.

علی به آسایش‌گاه سپرده می‌شود، پدر نگار هم با ازدواج آن‌ها موافقت می‌کند.

فیلم در چند صحنه طرز برخورد با کودکان و شرایط زندگی در آسایش‌گاه را همراه با ناراضی‌تی علی به تصویر می‌کشد. علی در محیط حمایت‌گر



به اعتقاد بیشتر متخصصان، رفتار این کودکان تنها به سبب پایین بودن میزان هوش به‌وجود نمی‌آید

خانواده بزرگ شده، محیطی که شرایط پرورشی مناسبی برای وی داشت و موفقیت و توانایی‌های علی هم از آن محیط و بازخوردی که از رابطه با اعضای خانواده می‌گرفت نشأت داشت. ولی حالا در جایی زندگی می‌کند که برای کنار آمدن با بچه‌ها، آرام‌بخش را بهترین راه قلمداد می‌کند.

علی در شرایط آسایش‌گاه به خاطر نامناسب بودن آن دچار نارسایی عاطفی می‌شود. او با وجود نگرانی و مراقبت‌های مخصوص، از آن‌جا فرار می‌کند و در ادامه گرفتار یکی از خطرات روزمره این کودکان که در جامعه وجود دارد می‌شود، که ناشی از عملکرد اجرایی ضعیف و عدم قضاوت‌های درست این کودکان است. بیش‌تر این کودکان در پردازش مرکزی با اشکال مواجه هستند و در موقعیت‌های آسیب‌زای جامعه توان برخورد درست ندارند و امکان سوءاستفاده از آن‌ها بسیار وجود دارد.

علی را از دام خلاف‌کاران فراری می‌دهند. او به امید پیدا کردن ایمان و یا کسی که بتواند او را پیدا کند راهی خیابان‌ها می‌شود. در آخر هم تصادف می‌کند. ایمان و نگار او را در بیمارستان می‌یابند.

در نمای پایانی فیلم، بیننده خانواده‌ی چهارنفره آن‌ها را می‌بیند و با توجه به شرایطی که نمایش داده می‌شود باید قبول کند که آری آن‌ها خوش‌بخت هستند.

برای پرداختن و به تصویر کشیدن قشر خاصی از جامعه در فیلم به داشتن اطلاعات صحیح و دیدی همه‌جانبه و به‌دور از سطحی‌نگری نیاز است؛ به‌خصوص اگر آن قشر کودکانی با نیازهای خاص باشند که امروزه با همه‌ی تلاش متخصصین این حوزه‌ی هر روز به فاصله بین آن‌ها و جامعه اضافه می‌شود.

فیلم بچه‌های ابدی، دید اجتماع نسبت به



این کودکان را یک‌طرفه به چالش می‌کشاند و محدودیت‌هایی را که کودکان و خانواده‌هایشان با آن مواجه‌اند نشان می‌دهد و بیش‌تر به وصف زندگی و شرایط آنان می‌پردازد تا این‌که راه‌کاری ارائه کند.

فیلم‌ساز، شیوه زندگی و رابطه‌ی اطرافیان با این کودکان را با تأکید بر جنبه‌های احساسی و سطح عاطفی آنان به تصویر می‌کشد. بر این اساس انگ‌زدایی از این کودکان را سرلوحه قرار می‌دهد، و داستان را در بستر وقایع روزمره‌ای که ما به سادگی و بی‌توجه از کنار آن می‌گذریم، شکل می‌دهد.

فیلم از نمایش جنبه‌های شناختی و انگیزشی این کودکان دوری می‌کند و تلاش می‌نماید با استفاده از سطح عاطفی آنان، بیش‌ترین تأثیر را روی بیننده بگذارد و به آن‌ها منتقل کند که این کودکان را به خاطر مهربانی، سادگی، پاکی کودکانه‌یشان می‌شود پذیرفت، به همین سادگی! به اعتقاد منتقدان سینما، استفاده از کارکردهای شناختی، پرهیز از استفاده‌ی مکرر از احساسات بیننده و به فکر وادار کردن تماشاگر، بیش‌ترین و ماندگارترین تأثیر را در ذهن ایجاد می‌کند، که در فیلم بچه‌های ابدی از این شیوه کمتر بهره‌برده شده است. در فیلم به مشکلات خودپنداره‌ی این کودکان، ناسازگاری‌های دوران بلوغ و محدودیت‌های خودکفایی هیچ اشاره‌ای نمی‌شود و برای رفع این مشکلات راه‌کاری ارائه نمی‌گردد، کاش به‌جای آن همه تأکید روی جنبه‌های عاطفی، سبک‌شناختی و محدودیت‌هایی که در رشد شخصیت آن‌ها وجود دارد، حرفی زده می‌شد. انتخاب کودکی از طبقه‌ی متوسط رو به بالای جامعه، بسیاری از کارکردهای مفید فیلم را زیر سؤال می‌برد. آیا خانواده‌هایی که وضعیت اقتصادی پایین‌تری دارند می‌توانند در محیط خانه چنین شرایطی را برای رشد و پذیرش کودک خود فراهم کنند.

فشار اقتصادی که روی خانواده‌های کودکان طبقه‌ی پایین جامعه وجود دارد در مورد کودک فیلم صدق نمی‌کند پس چه تأثیری می‌تواند روی کارکردها و رشد بهینه کودکان بگذارد؟ چگونه می‌شود با کودکی از طبقه پایین جامعه، بدون آن اسباب‌بازی‌های گران‌قیمت

رابطه برقرار کرد؟

به‌نظر می‌رسد نشان ندادن وضعیت واقعی این کودکان و تأکید صرف روی جنبه‌های عاطفی و استفاده از نگاه دلسوزانه برای پذیرش این کودکان از درجه کارایی فیلم می‌کاهد. هرچند فیلم در جشنواره‌های مختلف جایزه‌های زیادی را کسب کرده، اما تمامی این جوایز از لحاظ کار هنری به فیلم اهدا شده، نه از جهت گره‌گشایی از مشکلات کودکان سندرم دان یا ارائه‌ی راه‌کار برای بهزیستی آن‌ها در جامعه.

تلاش فیلم‌ساز برای به تصویر کشیدن مشکلات کودکان سندرم دان و خانواده‌هایشان قابل تقدیر است و جای بسی امیدواری است که در حوزه‌ی سینما، دغدغه‌ی فیلم‌ساز پرداختن به کودکان استثنایی است.

در قسمتی از فیلم علی به همراه نگار سوار ماشین می‌شود و می‌خواهد به بهشت برود، شاید بهشت علی همین جهان فانی ماست، با پذیرش بدون شرط این کودکان و شناخت و درک درست، از دنیای آن‌ها.

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی